



جمال شوروچ (فیلمساز) ،ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) ،محمد کاسبی (بازیگر) ،رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

واکون تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینما توگراف ۲

چنگ و دفاع مقدس در سینمای ایران

اولین جشن فیلم پره‌لا

سعید مستغابی

پخش سی و ششم

اما برای اینکه براساس آمار، به طور محسوس دریابیم در مقابل آنچه در سینمای جهان و در دوران جنگ در هنر هفتم کشورهای صاحب سینما اتفاق افتاد، در طول سال‌های دفاع مقدس چه میزان از تولیدات و امکانات سینمای ایران در اختیار جنگ و سینمای دفاع مقدس بود، نگاهی به آمار کمی فیلم‌های تولیدی آن سال‌ها و این نوع فیلم‌ها می‌اندازیم:

در سال ۱۳۶۱ که سال سوم جنگ تحمیلی محسوب می‌شد، از ۲۰ فیلم تولیدی در آن سال، فقط ۴ فیلم به سینمای جنگ و دفاع مقدس اختصاص داشت یعنی ۲۰ درصد. البته اغلب فیلم‌های تولیدی دیگر به فیلم‌های به اصطلاح انقلابی می‌پرداخت یا درباره مبارزه با قاچاق مواد مخدر و یا درمورد مسائل تاریخی بودند. اگرچه فیلم‌هایی که در آن سال در بخش مسابقات سینمای ایران نخستین دوره جشنواره فیلم فجر شرکت داشتند، هیچ‌کدام تنها به سینمای جنگ و دفاع، بلکه به جز فیلم «سفیر»، به حیطه‌های انقلاب، نیز ارتباطی نداشتند!!

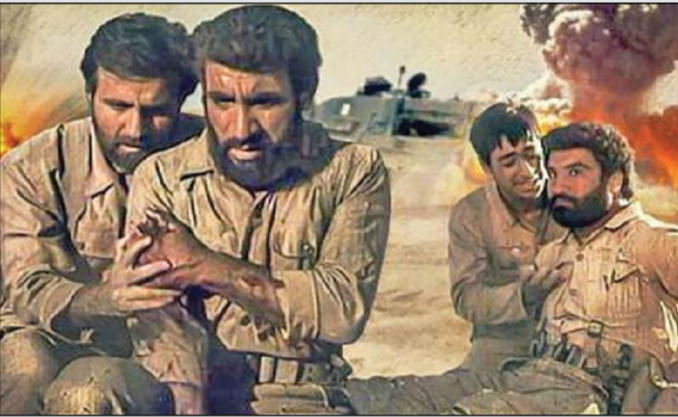
در سال ۱۳۶۲ از ۳۰ فیلم تولیدی، ۶ فیلم به سینمای جنگ و دفاع مقدس اختصاص داشت، یعنی همان میزان ۲۰درصد که سال قبل نیز وجود داشت.

در سال ۱۳۶۳ که از سال‌های اوج دفاع مقدس به شمار می‌رفت، حدود ۳۰ درصد از فیلم‌های تولیدی به آثار سینمای دفاع و جنگ پرداخت. اما بازهم درمیان برگزیدگان جشنواره فیلم فجر، تقریبا اثری از سینمای یادشده وجود نداشت. فیلم برگزیده و اول جشنواره یک ملودرام به نام «مترسک» بود و فیلم «گل‌های داوودی» که ملودرامی دیگر به حساب می‌آمد چند جایزه اصلی جشنواره را از آن خود نمود.

در سال ۱۳۶۴، می‌توان گفت عملکرد جشنواره فیلم فجر در تنزل سینمای دفاع مقدس نتیجه داد و تولیدات این سینما از ۳۰ درصد به ۱۰ درصد تنزل پیدا کرد و بهترین فیلم‌های جشنواره فیلم فجر نیز بازهم از میان فیلم خارج از سینمای دفاع مقدس و آثار غیرجنگی انتخاب شدند.

نکته قابل تامل اینکه طبق معمول، آثار سینمای جنگ و دفاع مقدس در این جشنواره از دریافت جایزه محروم ماندند و حتی فیلم «عقاب‌ها» که پربرندترین فیلم تاریخ سینمای ایران لقب گرفت، هیچ‌گونه تشویق یا تحسینی از سوی این جشنواره نشد!

در سال ۱۳۶۵ و در اوج رزم رزمندگان اسلام در عملیات کربلای ۵ و دفاع از شلمچه و در استانه فتح بصره، فقط ۷ فیلم از ۴۷ فیلم تولیدی سال (حدود ۱۴ درصد) به سینمای دفاع مقدس اختصاص داشت و جوایز جشنواره فیلم فجر در پنجمین دوره‌اش به جز فیلم «پرواز در شب»- ساخته مرحوم رسول ملاقلی‌پور، بقیه به آثار غیرجنگی تعلق گرفتند. بار دیگر نشان داده شد، این جشنواره هیچ ربطی به آنچه در کشور می‌گذشت، نداشت!!



در سال ۱۳۶۶، تنها ۵ فیلم از ۴۷ فیلم تولیدی متعلق به سینمای دفاع مقدس بود (یعنی نزدیک به ۱۱ درصد) و البته بازهم در شرایطی که جبهه‌های دفاع مقدس، یکی از سخت‌ترین روزه‌های خود را می‌گذراند و رزمندگان اسلام در فشار و محاصره دشمن یعنی و همه حامیان خارجی‌اش از جمله حضور مستقیم آمریکا و عربستان سعودی قرار داشتند.

و بالاخره در سال ۱۳۶۷ که جنگ و دفاع مقدس با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ متوقف شد، سینمای ایران ۴۱ فیلم تولید کرد که تنها ۷ فیلم یعنی ۱۷ درصد آن درباره جنگ و دفاع بودند که در آن میان آثار ضد دفاع مانند «عروسی خویان» ساخته محسن مخملباف نیز به چشم می‌خوردند.

نشریه سایت‌اند سائند درباره فیلم «عروسی خویان» وقتی در جشنواره‌های خارجی

نمایش داده شده بود، نوشت:

«... در این فیلم، مخملباف تنها به توصیف ضایعات و خسارات ناشی از جنگ و انقلاب نمی‌پردازد، بلکه به بی‌تفاوتی مردم نسبت به آرمان‌های اصلی انقلاب هشدار می‌دهد...»

همچنین نشریه نرو زودشراپتونگ درباره «عروسی خویان» نوشت:

«... عروسی خویان، یکی از دردناک‌ترین تصاویر از واقعیت شرایط امروز ایران است... روپهرو شدن حاجی، شخصیت محوری فیلم با اتفاقات روزمره در شهر تهران و بی‌تفاوتی غالب مردم نسبت به اهداف انقلاب، باعث آفسرگدی و فشار شدید روحی وی می‌گردد. مخملباف با بیانی تلخ و گزنده صدمات جسمی و روانی به جان مانده از جنگ و کم‌رنگ شدن اهداف و هویت جامعه ایرانی را به تصویر می‌کشد...»

آتش آن قدر شور بود که خان هم فهمید!

در مهرماه ۱۳۶۵ مقاله‌ای به مناسبت سالگرد آغاز جنگ تحمیلی در ماهنامه فیلم (تنها نشریه سینمایی در آن دوران) درج شد که گزارشگر تاسف بار از شرایط تولید فیلم‌های جنگی و سینمایی دفاع مقدس تا آن سال را ارائه می‌داد. سالی که تقریبا نیمی از دوران دفاع و جنگ طی شده بود. این گزارش توسط نشریه‌ای منتشر می‌شد که در واقع بیشترین همراهی با مدیران دولتی سینما و حتی به قولی نوعی خط‌دهی به آنان را انجام می‌داد. بخشی از مقاله فوق آمارهای تکان‌دهنده‌ای دربرداشت: «... به رغم ضرورتی که فیلم ساختن درباره جنگ احساس و از سوی مسئولان عنوان می‌شود و به رغم جاذبه‌های این موضوع در نزد فیلمسازان تجارתי و غیرتجارתי، شمار ناچیز فیلم‌های بلند و ارزشمند درباره جنگ نشانه آشکار یک موضوع حیاتی است...»

در این مقاله آمار ی از فیلم‌های جنگی تولید شده تا آن تاریخ همراه اسامی و نوع آن ذکر شده بود و فیلم‌های جنگی و درباره جنگ را به دو دسته فیلم‌های جنگی و فیلم‌هایی که به پشت جبهه‌های جنگی تحمیلی پرداخته‌اند، تقسیم کرده بود. البته نگارنده در آمارهایی که در دستور پیشین ارائه دادم، همه فیلم‌هایی که در رابطه با جنگ و دفاع قرار می‌گرفتند ولو در آنها داستان دیگری بر زمینه دفاع مقدس جریان داشت و یا حتی اشارهای ناگزیر به جنگ تحمیلی می‌نمود را لحاظ کرده و در آمارهای ارائه شده در نظر گرفتم.

اما در مقاله یاد شده بدون ذکر آمار ی از کلیت فیلم‌های تولید شده، اسامی ۲۵ فیلم جنگی و درباره دفاع مقدس (اعم از جبهه‌ای و پشت جبهه‌ای) آمده بود که با آمار بنده در این مطلب تا سال ۱۳۶۵ (یعنی سال چاپ مقاله ماهنامه فیلم) همخوانی دارد. این درحالی است که براساس آمار رسمی طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ (یعنی مقطع زمانی آمار ارائه شده) تعداد ۱۴۸ فیلم تولید شد که ۲۵ فیلم آن متعلق به سینمای جنگ و دفاع مقدس بود یعنی فقط حدود ۱۷ درصد از تولیدات سینمای ایران در طول سال‌های اوج جنگ، به جنگ و دفاع مقدس پرداخته بود! آن هم در سال‌های که مسئولین کشور به خصوص حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) به عنوان رهبر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بارها و بارها بر اولویت جنگ در کشور و اینکه همه امکانات مملکت بایستی در خدمت آن قرار بگیرد، تاکید کرده بودند.



ناصر طالبیان‌زاده (کارگردان) ،شهاب اویینی (فیلمساز) ،مجید مجیدی (فیلمساز) ،هادی محمدیان (یویاتنا) ،فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز) ،ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) ،مهدی فقیه (بازیگر) ،پروانه معصومی (بازیگر) ،نرغی شعبانی (استندساز) ،ناود میربالی (فیلمساز) ،رابوش ارچمن (بازیگر) ،شهرویار بحرانی (فیلمساز)

نگاه منتقدان به مستند «قوی‌دل»

رسانه‌ای که قهرمان مبارزه با خون‌های آلوده شد

مستند سینمایی «قوی‌دل» یک اثر انتقادی/اجتماعی درباره یکی از پرونده‌های مخوف پزشکی در ایران است. پرونده‌ای مربوط به ورود خون‌های آلوده به کشور که موجب انتشار بیماری‌هایی چون هموفیلی و ایدز بین برخی از مردم شد.

این مستند به کارگردانی علی فراهانی صدر و تهیه‌کنندگی سعید الهی، پس از کسب موفقیت‌هایی چون کسب جوایز مختلف (ازجمله بهترین مستند و بهترین مستند از نگاه مردم) در جشنواره سینماحقیقت و دریافت سیمرغ بلورین برترین مستند در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر، مدتی است که در قالب گروه هنر و تجربه، به نمایش عمومی درآمده است. به همین مناسبت، دیدگاه تعدادی از منتقدان درباره این فیلم را مرور می‌کنیم:

محمدتقی فهیم، منتقد و مدرس سینما، طی یادداشتی بر فیلم «قوی‌دل» نوشت: «قوی‌دل، حاصل تیزهوشی کارگردان در انتخاب موضوع جهانی و سوژه شخصیت کاریزماتیک آن است. همچنان‌که رسیدن به نوع جذاب روایت و پرداخت فرمیک اثر (برغم سردرگمی فیلمساز در حفظ یکدستی روایت به‌ویژه در به‌کارگیری لحن طنزانه) حکایت از درک و فهم تحقیقی فیلمساز از نیاز امروز مستندسازی ایران و جهانی، خصوصا در مواجهه با مخاطب دارد.»

احسان رستگار، دیگر منتقدی است که به مستند «قوی‌دل» واکنش نشان داده و درباره آن نوشته است: «یک مستند بلند، منتقد، مطالبه‌گر، صریح و شجاع و توأماً، منصف، دلسوز، منصلح و امیدافزین، با ضرب‌اهنگی شاداب، چاشنی طنز و داستان‌های فرعی جذاب.»

محمد تقی‌زاده هم یک نقد بر مستند «قوی‌دل» نوشت که در بخشی از آن آمده است: «پرونده خون‌های آلوده فرانسوی به ایران، به‌زعم فیلمساز و پژوهشگران این فیلم از جمله مهم‌ترین پرونده‌های قضائی تاریخ معاصر ایران است که به موضوع ورود خون‌های آلوده به ایران از سوی کشور فرانسه اشاره دارد و فیلم سعی دارد در حین معرفی احمد قوی‌دل، این پرونده مهم را از زبان او روایت کند تا جایی‌که در برخی اوقات داستان احمد قوی‌دل و خون‌های آلوده در هم تنیده و برخی اوقات یکی بر دیگری می‌چربد تا مخاطب از دو جهت همراه و سهیاب با مستند شود: نخست تلاش‌های مدیر کانون هموفیلی ایران برای احقاق حق بیماران و دوم، موضوع و چند و چون داروهای آلوده فرانسوی که از ب بسب‌الله تا نون پایان آن در این مستند به تماشایگر معرفی و تبیین می‌شود.»

محمد حیدری‌پور نیز درباره «قوی‌دل» نوشت: «این فیلم به راستی یکی از بهترین نمونه‌های



مستند پرتره /اجتماعی که با ایده‌پردازی کارگردان داستان خود را با یک روایت به پیش می‌برد اما تنها خستگی برای تماشایگر معنایی ندارد بلکه ابداع ماجرا به گونه‌ای روایت می‌شود که گویی مخاطب در حال تماشای یک فیلم داستانی است.

در کنار سبک درست انتخاب شده برای روایت ماجرا، آنچه مستند «قوی‌دل» را بسا نمونه‌های مشابه آن در سال‌های اخیر متفاوت می‌کند، فضاسازی‌هایی است که کارگردان با استفاده از تصاویر آرشیوی، استفاده از لوکیشن‌های متفاوت و حتی در گاه‌شی از اوقات ساخت لوکیشن و طراحی آن بهره گرفته است.

خصوصیت مهم دیگر «قوی‌دل» آن است که فیلمساز راه روایت را پیدا کرده است. او در یک‌سوم ابتدائی عجله چندانی برای اینکه اصل قصه را بگوید، ندارد. خیلی آرام پیش می‌آید و به‌درستی زمینه‌چینی را انجام می‌دهد اما لحظه اوج داستان را به گونه‌ای روایت می‌کند که واقعا دیدنی است. داستان در ادامه و تا پایان هم بسیار روانه ادامه پیدا می‌کند.»

سرنوشت واقعی خدمتگزاران آمریکایی‌ها در افغانستان، یا جا ماندن از هواپیماهای فرار بود و زندگی در ترس، یا آویزان شدن از همان هواپماهای کثابی و مرگ دردناک. حالا در بهترین حالت هم عده‌ای که توانستند سوار هواپیماهای فرار آمریکایی بشوند، جزو خدمتگزاران درجه یک به حساب می‌آیند و حتی آن‌ها هم نه با جایگاه اختصاصی، که کف هواپیما نشستند، در حالی‌که سگ‌های آمریکایی در همان هواپیما، صندلی اختصاصی داشتند!

این تصاویر که در زمان خودش مدت‌ها در اینترنت حاشیه ساز شد، خود سربازان آمریکایی به اشتراک گذاشتند و در حقیقت، هیچ شکی بقی نگذاشتند که وعده آمریکایی یعنی چه. حالا با این حساب، جالب است که هنوز هم هالیوود سعی دارد با وجود این حقایق تلخ که خاطراتش هنوز در ذهن مردم دنیا تازه و خون آلود است، روی دیگر و تخیلی از همان داستان را به مخاطبین ارائه دهد و طوری دیگری داستانسرای کند.

متجاوز مهربان!

در فیلم پیمان، مخاطبین بسا همان تصویر کلیشه‌ای از سرباز وطن‌دوست، نجیب و خانواده محور آمریکایی روبه‌رو می‌شوند که وجدان بسیار پاکی دارد و دلسوز مردمی است که به خاک کشورشان تجاوز کرده است!

در فیلم هیچ خبری از سربازانی که سال‌ها باثت رنج و مرگ و فقر مردم افغان شدند، وجود ندارد و تصاویر با واقعیتی که مردم این کشور با آن روبه‌رو بودند، فرق دارد.

بعد از بیشروری طالبان و طرفداران‌شان در افغانستان، این تفکر به وجود آمد که اگر واقعا آمریکایی‌ها در مدت دو دهه تسلط بر افغانستان، به دنبال خدمت و ساختن افغانستان و بالا بردن کیفیت مردم و به خصوص زنان افغان که خیلی مانورش را می‌دانند بودند، چرا باید افغانستانی‌ها از دولت تمام آمریکایی خود در آن زمان دفاع نکنند و اجازه بدهند که طالبان و نیروهایش بیشروری کنند؟

حقیقت این است که تصاویر زیبا، تنها متعلق به فیلم‌ها سربال‌هاست و در واقعیت آمریکایی‌ها در غرب آسیا، هرگز به دنبال سازندگی و به اصطلاح خودشان نجات مردم نبوده‌اند، و هرگز بعد از این همه سال، تنها نفرت فرو نمی‌کردند.



موشک‌های بالستیک به‌سوی سرزمین‌های اشغالی آغاز شد. علی رغم گنبد آهنین رژیم صهیونیستی و کمک‌های راداری و نظامی آمریکا، انگلیس، فرانسه و کشور اردن در رهگیری پهپادها و موشک‌های ایرانی، بسیاری از اهداف نظامی و پایگاه‌های هوائی رژیم اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی مورد هدف قرار گرفت و در واقع حامیان رژیم صهیونیستی را غافلگیر کرد. طوری که بنا به گفته برخی از مقامات و کارشناسان سیاسی، نظامی داخل آمریکا، ابتدا

به‌دنبال عملیات تروریستی و تجاوزگرانه رژیم کودک‌کش صهیونیستی علیه بخش کنسولی سفارت جمهوری اسلامی ایران در سوریه که به شهادت تعدادی از مستشاران نظامی ما انجامید بوق‌های رسانه‌ای استخبار جهانی، آمریکا، انگلیس و رسانه‌های ضدانقلاب فارسی‌زبان وابسته به رژیم صهیونیستی و آمریکا که یک بستر رسانه‌ای هماهنگ، به تبلیغات گسترده در این زمینه پرداختند. آن‌ها تلاش کردند که این حرکت بز دلانه

شکست رسانه‌های کاذب از وعده صادق!

رسول شمالی ورزنده



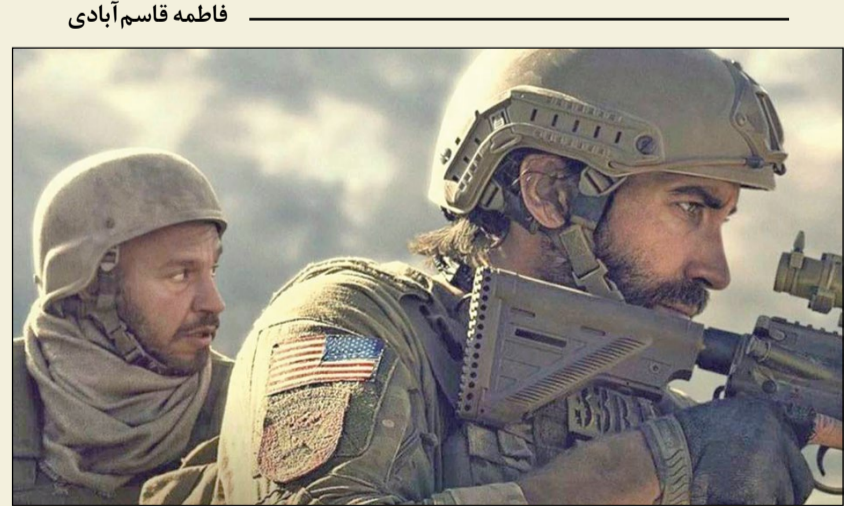
رسانه‌های بین‌المللی آمریکا مانند، CNN، VOA و همچنین BBC و شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های وابسته به استخبار جهانی و نیز رسانه‌های فارسی زبان ضدانقلاب در ساعات اولیه این عملیات بزرگ با سکوت و بی‌اعتنایی به آن گذشتند اما با توجه به پوشش رسانه‌ای گسترده شبکه‌های بین‌المللی و داخلی سازمان صداوسیما که از ابتدای آغاز عملیات «وعده صادق» لحظه به لحظه این عملیات را برای جهانیان مخابره کردند، سرانجام رسانه‌های آمریکایی مجبور به انعکاس اخبار مربوط به عملیات پیروزمندانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلام ایران علیه رژیم صهیونیستی شدند و اعتراف به این پیروزی با ارزش و مورد هدف قرار گرفتن پایگاه‌های نظامی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی شدند. بدین گونه دنیا به اقتدار جمهوری اسلامی ایران پی برد و این حرکت بزرگی که در قالب عملیات پیروزمندانه «وعده صادق» انجام شد اگرچه فقط یک تنبیه کوچک از سوی ایران بود اما نشان داد که اگر دشمنان جمهوری اسلامی ایران بخواهند کوچک‌ترین چشم طمع به منافع و منابع کشورمان داشته باشند یا خاک یکسان خواهند شد. بنابراین چنانچه رژیم اشغالگر قدس بعد از این تنبیه بخواهد حماقت و درصدد پاسخگویی برآید سرنوشت شومی

قابل تقدیر است.
همین امر باعث شکست رسانه‌های استخباری شد به‌طوری که مجبور به عقب‌نشینی شده و سمت و سوی خبرهای اول خود را متوجه این عملیات کردند و به این صورت شکستی دیگر در کارنامه رسانه‌های وابسته به استخبار جهانی رقم خورد و ثبت شد و این‌ها هم به شکست رسانه‌های استخباری پی برد و داخلی سازمان صداوسیما که از ابتدای آغاز حضور رسانه ملی به عنوان یک رسانه مستقل و آزاد در بین رسانه‌های مستقل دنیای امروز موجب اعتماد به این رسانه از سوی مردم جهان شده است. کار رسانه‌ای پسنشده‌ای که از سوی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی سازمان صداوسیما در انعکاس جهانی اخبار مربوط به عملیات پیروزمندانه «وعده صادق» شد سبب ایجاد یک فضای اعتماد بین مردم آزاده جهان و این رسانه شد و از طرفی شکست رسانه‌های استخباری را به همراه داشت. در واقع کارزار عظیم و تنبیه رژیم خونخوار صهیونیستی در این نبرد مستقیم استخباری توانست شکست بزرگی را برای رسانه‌های وابسته به استخبار جهانی به‌ویژه آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی رقم بزند که قابل تقدیر است.



نگاهی به فیلم «پیمان»

وعده ناصادق آمریکا به مترجمین افغان



از سوی دولت آمریکا، به آمریکا بروند و ادامه‌ی زندگی‌شان را در آن‌جا بگذرانند ولی در واقعیت، این اتفاق برای عده بسیار کمی افتاد و بقیه جا ماندند...**احمد به پاسدار خیمات**

در فیلم پیمان، از ابتدا سازنده به سراغ موضوع اصلی می‌رود و در چند خط بیان می‌کند که به خاطر واقعه ۱۱ سپتامبر، آمریکا به افغانستان آمد و طی مدت زمان ۲۰ سال برای راحتی نیروهایش تعداد زیادی مترجم افغان را استخدام کرد. این شروع کنجکاوی مخاطبین را برای دیدن سرنوشت این مترجمین بر انگیزخته می‌کند و در ادامه بینندگان شاهد داستان مترجمی به نام احمد می‌شوند و می‌بینند که سرباز آمریکایی خودش را به آب و آتش می‌زند که در این خود را به احمد که جانش را نجات داده، ادا کند.

هالیوود از زمان حمله آمریکا به افغانستان و عراق، تا بعد از خروج نیروهایش از افغانستان، همیشه فیلم‌ها و سریال‌هایی در مورد ارتشی‌های آمریکایی و چالش‌های آن‌ها در غرب آسیا ساخته است.

در این ساخته‌ها که توسط سازندگان مختلف تولید شده‌اند، معمولا تصویر سربازان آمریکایی سانسور می‌شود یا با دلایل مختلف جنایت‌هایشان توجیه می‌شود.

آنچه مشخص است در طول مدت اشغال، وعده‌هایی از طرف آمریکایی‌ها به مردم این کشورها داده شد و در ازای این وعده‌ها، قول‌های زیادی می‌رد و بدل شد اما در زمان عمل به این قول و قرارها،طرف آمریکایی در واقعیت سر حرفش نماند و به خصوص در افغانستان، صحنه‌های فرار در ویلتام تکرار شد و بیشتر خائنین جا ماندند!

فیلم «پیمان» به نویسنده‌ی و کارگردانی «گای ریچی» محصول سال ۲۰۰۳ آمریکا است. این فیلم در مورد مترجم افغانستانی است که با کمک به افسری آمریکایی، امیدوار است بتواند ویزای آمریکا را بگیرد و از افغانستان فرار کند.

داستان بر فراز و نشیب فرار

داستان فیلم پیمان، در مورد افسر آمریکایی به نام «جان کینلی» است که در افغانستان خدمت می‌کند و زمانی که قدرت نیروهای طالبان اوج می‌گیرد، این سرباز با مترجمی به نام «احمد» آشنا می‌شود.

احمد به خاطر گرفتن ویزای آمریکا، در تکاپو است، به خاطر همین هم با تمام وجودش به نیروهای آمریکایی خدمت می‌کند تا در نهایت بتواند مجوز خروج خودش و خانواده‌اش را از افغانستان بگیرد.

او در این راه، جان افسر کینلی را بعد از تعقیب و گریز فراوان از دست نیروهای طالبان نجات و خودش را در معرض خطر قرار می‌دهد. وقتی کینلی نجات پیدا می‌کند و می‌فهمد هنوز ویزای احمد و خانواده‌اش صادر نشده است، بسا پیگیری و خرج از جیب خودش، کار احمد را راه می‌اندازد و برای نجات او و خانواده‌اش شخصا به افغانستان می‌رود تا آنها را از آنجا خارج کند. طبق بیان فیلم، فرار بر این بود که مترجم‌های افغان، برای حفظ جان‌شان و بابت همکاری‌شان با ارتش آمریکا، بتوانند به راحتی و با ویزای صادره